



Child Rights Journal

2021; 3(10): 29-46

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



International Think Tank of
Human Dignity



The Iranian Association of
Medical Law



The Iranian Association of
Child Rights

The Effect of Visual Media on the Occurrence of Deviations and Crimes in Children and Teenagers and Ways to Prevent it

Fatemeh Afshari^{1*}, Javad Afshari²

1. Department of Public Law, Institute of Judiciary, Tehran, Iran.

2. Department of Crime Prevention, Amin Police University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the most important influencing factors in the lives of today's societies is visual media, which, in addition to having positive effects in reducing social harms, have a negative role in creating deviations and crimes and one of the vulnerable groups in this field are children and teenagers. This study was conducted with the aim of investigating the impact of visual media on the occurrence of deviations and crimes among children and teenagers and discussing ways to prevent it.

Method: The present study was conducted using descriptive-analytical method and using documentary (library) resources.

Results: Visual media, by getting the audience used to the events, desensitization and inattention, etc., provide the basis for learning violence from the media. Younger people are much more influenced by the media, and this is due to their realism, their incomplete cognitive ability, and their inability to relate the scenes of the program to the final result. With the development of global media outside the control of governments, such as satellites and the Internet, and providing inappropriate models, negative training, airing programs with no purpose, not paying attention to the age of the audience, and not showing the results of actions, the role of the mentioned media in the spread of crimes and deviations such as violence, running away from home, free sexual relations, and sexual addiction are undeniable, especially among young people.

Conclusion: Due to the negative impact of visual media on children and teenagers in terms of creating grounds for deviance and committing crimes, it is necessary for the government, people, family and mass media to make a joint effort to deal with the content of inappropriate and replace it with healthy programs and entertainment.

Keywords: Visual media, Children and Teenagers, Violence, Running away from home, Sexual addiction

Corresponding Author: Fatemeh Afshari; **Email:** mehr.solh399@yahoo.com

Received: April 12, 2021; **Accepted:** July 25, 2021

Please cite this article as:

Afshari F, Afshari J. The Effect of Visual Media on the Occurrence of Deviations and Crimes in Children and Teenagers and Ways to Prevent it. *Child Rights Journal*. 2021; 3(10): 29-46.

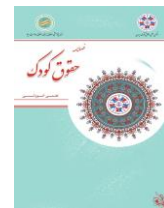


انجمن علمی حقوق کودک ایران / انجمن علمی حقوق پزشکی ایران / انجمن علمی حقوق بین‌المللی کرامت انسانی

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره دهم، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۹-۴۶

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



تأثیر رسانه‌های تصویری در بروز انحرافات و جرایم در کودکان و نوجوانان و طرق پیشگیری از آن

فاطمه افشاری^{۱*}، جواد افشاری^۲

۱. گروه حقوق عامه، پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران، ایران.

۲. گروه پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زندگی جوامع امروز رسانه‌های تصویری است که علاوه بر وجود تأثیرات مثبت در کاهش آسیب‌های اجتماعی، نقشی منفی در زمینه‌سازی و ایجاد انحرافات و جرایم دارند و یکی از افشار آسیب‌پذیر در این زمینه کودکان و نوجوانان هستند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر رسانه‌های تصویری در بروز انحرافات و جرایم میان کودکان و نوجوانان و بحث پیرامون طرق پیشگیری از آن انجام گردید.

روش: مطالعه حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی (کتابخانه‌ای) به انجام رسیده است.

یافته‌ها: رسانه‌های تصویری با عادت دادن مخاطب به حوادث، حساسیت‌زدایی و بی‌قیدی و... زمینه یادگیری خشونت از رسانه را فراهم می‌آورند. افراد دارای سنین کمتر، به مراتب بیشتر تحت تأثیر رسانه قرار می‌گیرند و این به دلیل واقع‌انگاری، توانایی شناختی ناقص آن‌ها و عدم توانایی ارتباط دادن صحنه‌های برنامه به نتیجه نهایی است. با گسترش رسانه‌های جهانی و خارج از کنترل دولت‌ها مانند ماهواره و اینترنت و ارائه الگوهای نامناسب، آموزش‌های منفی، پخش برنامه‌های بدون هدف، عدم توجه به سن مخاطبان و نشان ندادن نتایج اعمال، نقش رسانه‌های مذکور در گسترش جرایم و انحرافاتمانند بروز خشونت، فرار از خانه و روابط جنسی آزاد و اعتیاد جنسی به ویژه در جوانان و نوجوانان غیرقابل انکار است.

نتیجه‌گیری: با توجه به قابلیت تأثیرگذاری سوء رسانه‌های تصویری برای کودکان و نوجوانان از حیث تمهید زمینه‌های انحراف و ارتکاب جرم، لازم است دولت، مردم، خانواده و رسانه با استفاده از فرهنگ‌سازی، آموزش و نظارت، تلاشی همگانی برای مقابله با محتوای نامناسب و جایگزین‌سازی آن با برنامه‌ها و تفریحات سالم داشته باشند.

واژگان کلیدی: رسانه‌های تصویری، کودکان و نوجوانان، خشونت، فرار از خانه، اعتیاد جنسی

نویسنده مسئول: فاطمه افشاری؛ پست الکترونیک: mehr.solh399@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Afshari F, Afshari J. The Effect of Visual Media on the Occurrence of Deviations and Crimes in Children and Teenagers and Ways to Prevent it. Child Rights Journal. 2021; 3(10): 29-46.

مقدمه

در جهان امروز، رسانه‌ها با انتقال اطلاعات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت و تمدن بشری، نقش بزرگی را به عهده گرفته‌اند، به طوری که عصر امروز را عصر ارتباطات نامیده‌اند. رسانه‌های گوناگون اعم از دیداری، نوشتاری و شنیداری می‌توانند افکار و عقاید مردم را تحت تأثیر قرار دهند، زیرا رسانه‌های نامحدود امروزی، نقش بسیاری در فرهنگ‌سازی و هنجار آفرینی در جامعه دارند. اگر رسانه به نحو صحیحی در راستای فرهنگ یک جامعه مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند موجب القای سریع بسیاری از مفاهیم گردد و از وقوع بسیاری از معضلات و جرایم در جامعه پیشگیری نماید. برعکس اگر محتوای رسانه‌ها بدون هدف و کارشناسی تنظیم شده باشد، می‌تواند تأثیرات منفی بسیاری بر جامعه داشته باشد و حتی منجر به وقوع جرایم و انحرافات در جامعه گردد.

یکی از انواع مؤثر رسانه به ویژه در کودکان و نوجوانان، رسانه‌های تصویری است. رسانه‌های تصویری، رسانه‌هایی هستند که برای انتشار برنامه‌ها، اخبار، آگهی‌ها و پیام‌های خود از پخش صوت و تصویر به صورت توأمان استفاده می‌کنند. تلویزیون، سینما و اینترنت مصادیق کامل و برجسته پخش تصویر به عنوان یک وسیله ارتباطی جمعی هستند (۱) گرچه برخی از صاحب نظران علوم ارتباطات، اینترنت و کامپیوتر را در دسته‌بندی جداگانه‌ای با عنوان «رسانه‌های کامپیوتری» قرار می‌دهند (۲) اما در این پژوهش رسانه تصویری در مفهوم عام در نظر گرفته شده است.

عموماً رسانه‌های تصویری دسترسی مستقیم به طیف وسیعی از افراد جامعه دارند (۳) و به همین دلیل افراد بسیاری تحت تأثیر برنامه‌های مثبت و منفی رسانه قرار می‌گیرند. امروزه با گسترش رسانه‌ها به ویژه رسانه‌هایی

که محدود به مرزها نبوده و تسلط دولت‌ها بر آن‌ها ممکن نیست، مانند ماهواره و اینترنت، این تأثیرات منفی ظهور بیشتری دارد. به دلیل تأثیرات منفی رسانه‌های مذکور بر جامعه و افزایش میزان انحرافات و جرایم به ویژه در کودکان و نوجوانان، لازم است آسیب‌هایی که رسانه‌های مذکور می‌تواند به دنبال داشته باشد، مشخص گردد. باتوجه به گستردگی موضوع، برای بررسی دقیق، در این پژوهش به سه مورد از انحرافات شامل خشونت، فرار دختران و روابط جنسی نامشروع اکتفا شد که البته مواردی مانند فرار دختران و روابط جنسی نامشروع در برخی مصادیق و در برخی کشورها جرم‌انگاری نشده و انحراف به شمار می‌روند و در برخی دیگر از کشورها به عنوان جرم تلقی می‌شود.

با تعیین محدوده پژوهش، به دنبال پاسخ به این سؤالات خواهیم بود که اولاً علل تأثیر منفی رسانه بر این افراد چیست و به چه نحو این آسیب محقق می‌شود؟ ثانیاً، برای پیشگیری از آسیب مذکور و در صورت بروز، برای درمان آن باید چه کرد و چه افرادی می‌توانند در این زمینه اقدام نمایند؟

برای پاسخ به سؤالات مذکور در پژوهش، محورهای پژوهش در سه قسمت آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت، فرار دختران و روابط جنسی نامشروع در کودکان و نوجوانان، مطمح نظر قرار گرفته است. در هر قسمت ابتدا علل و نحوه تأثیرگذاری رسانه‌های تصویری بر کودکان و نوجوانان بررسی شده و سپس راهکارهایی برای پیشگیری و درمان آسیب‌های مذکور ارائه شده است.

روش

مطالعه حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی (کتابخانه‌ای) به انجام رسیده است.

یافته‌ها

۱. آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت در کودکان و نوجوانان و راهکارهای پیشگیری از آن: یکی از انحرافات ایجاد شده توسط رسانه‌های تصویری برای کودکان و نوجوانان، خشونت است. در تعریف خشونت رسانه‌ای گفته شده است: «اگر خشونت را هرگونه هجمه به هنجارهای اجتماعی اعم از قانونی تعریف کنیم، کلیه فیلم‌ها، نمایش‌ها و برنامه‌هایی که اعمال جنایی، قتل، دزدی و به طور کلی نقض قوانین را به نمایش می‌گذارد و همچنین فیلم‌ها و برنامه‌هایی که با هدف به ابتذال کشاندن زندگی جوانان و القای این مطلب که ارزش‌گذاری برای لحظات زندگی امری بیهوده است، به ارائه تصویر و موضوعات سکس و هرزگی می‌پردازند و یا رفتارهای ناهنجاری نظیر اعتیاد به مواد مخدر و ... را تبلیغ می‌کنند، در حوزه خشونت رسانه‌ای قرار می‌گیرند» (۴).

از عوامل فردی مؤثر بر تأثیرپذیری از خشونت رسانه‌ای، «سن مخاطب» برنامه‌های خشن است. در این زمینه باید بیان شود که کودکان در تماشای صحنه‌های خشونت، آسیب‌پذیرتر از سایر گروه‌های سنی هستند و بیشتر از خشونت تأثیر می‌گیرند که در ذیل به طور مشروح بررسی می‌شود.

۱-۱. علل تأثیر خشونت رسانه‌ای بر خشونت واقعی در کودکان و نوجوانان: در این مجال، به بررسی علل مختلف تأثیر خشونت رسانه‌ای بر خشونت واقعی در کودکان و نوجوانان می‌پردازیم.

۱-۱-۱. تقلید: یکی از علل مؤثر در تأثیرگیری از خشونت رسانه‌ای در خشونت واقعی، امر تقلید است. به این معنا که بینندگان، به خصوص بینندگان کم سن و سال ترغیب می‌شوند رفتارهایی را که از شخصیت‌های

رسانه‌ای سر می‌زند، عیناً در عمل تکرار کنند. حال اگر رفتار شخصیت اصلی و محبوب در برنامه، یک رفتار خشونت‌آمیز باشد، آن‌ها نیز همان رفتار خشونت‌آمیز را عیناً تکرار می‌کنند (۵، ۶). مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که کودکان یا به‌طور مستقیم آنچه را از رسانه می‌بینند تقلید می‌کنند یا آن را به ذخیره الگوهای رفتاری خویش می‌افزایند (۷).

در مواردی، بلافاصله پس از نمایش فیلم، تقلید انجام می‌شود؛ در صورتی که در فیلم، صحنه‌های عصیانگری، پرخاشجویی، کشتار و خشونت باشد، ضمیر مخاطب پر از خشونت گشته و زمینه برای انجام خشونت در او آماده است. البته باید به این نکته توجه داشت که تقلید بلافاصله از رفتارهای رسانه‌ای در صورتی واقع می‌شود که علاوه بر آمادگی ذهنی فرد، سایر عوامل نیز در این زمینه مهیا باشد. به عنوان مثال نقش خانواده را در این زمینه می‌توان بیان کرد. برای مقابله با این تقلید کودکان از محتوای خشونت‌آمیز، والدین باید در انتخاب نوع فیلم فرزند دخالت کنند و در هنگام پخش فیلم‌های نامطلوب، به‌طور غیرمستقیم ذهن آن‌ها را به امور دیگر معطوف نموده و از تماشای صحنه‌های خشونت بار دور سازند. رسانه نیز می‌تواند از طریق گنجاندن برنامه‌های آموزشی مطلوب، کودکان را به تقلید از این برنامه‌ها بکشانند.

۱-۱-۲. یادگیری اجتماعی: این نظریه توسط بندورا مطرح گردید. او معتقد است یادگیری می‌تواند از طریق مشاهده سرمشق رخ دهد. یادگیری مشاهده‌ای از طرق گوناگون مانند مشاهده رفتار افراد خانواده، تماشای برنامه‌های تلویزیونی و غیره صورت می‌گیرد. از این رو رسانه به‌دلیل ارائه مدل‌های مختلف اجتماعی می‌تواند عامل مشاهده‌ای مهمی در یادگیری رفتارهای اجتماعی باشد. براساس این فرضیه، همان‌گونه که کودکان مهارت‌های شناختی و اجتماعی‌شان را از مشاهده اعمال

اطرافیان یاد می‌گیرند، با تماشای عمل خشونت در رسانه‌ها نیز پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند (۸).

در این نظریه چند نکته حائز اهمیت است: اول آن که در مواقعی یادگیری نهفته است؛ بدین معنا که گاهی افراد با مشاهده رفتارهای پرخاشگرانه سرمشق‌گیری می‌کنند اما در عمل به ظهور نمی‌رسانند ولی اگر در موقعیت تقویتی مناسبی قرار گیرند، آموخته‌ها را به ظهور می‌رسانند؛ نکته دوم این که در یادگیری، پاداش و تنبیه بسیار مؤثر است اما لازم نیست فرد برای یادگیری شخصاً به پاداش برسد بلکه مشاهده افرادی که با انجام رفتار خشونت‌آمیز به پاداش می‌رسند باعث یادگیری آن رفتار شده و خشونت را در فرد افزایش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که وقتی افراد مشاهده می‌کنند که به رفتاری پاداش داده می‌شود - در مقایسه با تنبیه - بیشتر احتمال یادگیری در آن‌ها وجود دارد (۹، ۱۰). نکته مهم دیگر در الگوپذیری، ویژگی الگو است. نزدیکی شخصیت الگو با فرد، سن، جنس، نوع رفتار الگو، الگوی زنده، مقام و شهرت الگو همگی می‌تواند در سیر یادگیری مؤثر باشند و نکته آخر این که ویژگی مشاهده‌گران همچون سن، جنس، تحصیلات، خانواده، اعتقادات، ویژگی‌های فردی و ... نیز در سرمشق‌گیری مؤثر است (۶).

۱-۳. حساسیت‌زدایی (تکرار - بی‌قیدی): تماشای مداوم خشونت از تلویزیون، منجر به کم شدن پاسخ عاطفی به خشونت می‌گردد و مخاطب، خشونت در سطوح بالاتر را در زندگی واقعی می‌پذیرد (۹، ۱۱). چراکه رسانه، ناپرهیزی افراد از رفتارهای پرخاشگرانه را نسبت به دیگران کاهش می‌دهد. به بیان دیگر، دیدن مکرر تصاویر، قبح عمل را کاهش می‌دهد و اعتیاد به تماشای صحنه‌های خشونت، منجر به کاهش حساسیت در برابر درد دیگران یا خشم نسبت به خشونت می‌شود (۱۲).

برخی محققان معتقدند، افراد کم‌سن‌وسال در ابتدا، انگیزه‌ها و نتایج برنامه‌های تلویزیونی را کم‌تر درک می‌کنند و یا درک نمی‌کنند و نمی‌توانند آن‌ها را به یاد آورند، تنها برخی خصوصیات و جزئیات را به صورت ناقص به یاد می‌آورند اما با تکرار تماشای صحنه‌های خشونت، میزان درک و یادآوری انگیزه‌ها و نتایج اعمال خشونت‌آمیز به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد (۸). همچنین تماشای خشونت، تحمل کودکان را در برابر خشونت واقعی افزایش می‌دهد؛ چه از طریق طبیعی جلوه دادن این‌گونه رفتارها و چه از طریق جزئی جلوه دادن خشونت موجود در زندگی واقعی.

عده‌ای از محققان از حساسیت‌زدایی به عنوان خوگیری یاد می‌کنند. آن‌ها معتقدند: کاهش یا فقدان واکنش‌های احساسی شدید نسبت به تماشای صحنه‌های خشونت به نمایش درآمده که در نتیجه خوگرفتن به تماشای این‌گونه خشونت حاصل می‌شود، شاخصی برای خوگیری نسبت به خشونت واقعی نیز هست (۱۰).

۱-۴. واقع‌انگاری: این مسأله به طور خاص، در خصوص کودکان رخ می‌دهد. از آن‌جا که کودکان فاقد توانایی کامل در تشخیص واقعیت از خیال هستند، خشونت در فیلم‌های تخیلی و نقاشی متحرک (مانند کارتون‌ها) را واقعی تلقی می‌کنند (۷، ۹، ۱۱). در واقع کودکان، به دلیل فقدان مهارت‌های شناختی و همچنین به واسطه نداشتن تجربه و آگاهی لازم، صحنه‌ها و گفتارهای غیرواقعی را حقیقت می‌پندارند و در نتیجه از آن‌ها تعبیر و تفسیر نادرستی می‌نمایند (۱۳). برای کودکان حتی تشخیص موضوع اصلی داستان و تفکیک آن از موضوعات حاشیه‌ای و تمیز حوادث واقعی از غیرواقعی و درک احساسات و مقاصد شخصیت‌های داستان دشوار است. از سوی دیگر، کودکان، توانایی ارتباط دادن صحنه‌های مختلف یک برنامه را ندارند؛

می‌گیرد؛ حتی در طراحی بازی‌های خشن، حس‌گره‌ایی تعبیه شده که بازیگر درد و سوزش ضربه وارد به بدنش را نیز احساس خواهد کرد و از جنبه مجازی و خیالی خارج می‌گردد. در این بازی، بعد از نابودی دشمن، همانند صحنه کشتار واقعی خون همه جا را فرا می‌گیرد و اعضای قطع شده بدن انسان به هر طرف پراکنده خواهد شد. این بازی‌ها با نمایش خشونت از طریق خون‌ریزی‌های شدید و کشتارهای بی‌رحمانه همراه پاداش و بدون تنبیه و همچنین با وجود هیجان فراوان، خشونت واقعی را در کودکان افزایش خواهد داد (۱۷).

۱-۵. خانواده بیننده: از مهم‌ترین عوامل مؤثر محیطی بر تأثیرپذیری کودک و نوجوان، گروه خانواده بیننده است. در خانواده‌ای که اعضا دارای روابط دوستانه و خوبی هستند، خانواده می‌تواند در حین تماشای تلویزیون و یا قبل از تماشا از طریق منع مؤثر جوانان را در جریان تهیه برنامه‌ها و واقعیت زندگی قرار دهند. اگر محیط خانواده، صمیمانه و فارغ از اضطراب باشد، برنامه‌های رسانه‌ها نمی‌تواند تهدید عظیمی برای فرد باشد.

فریدمن (Freadman) معتقد است نوجوانی که در محیط نسبتاً خوب و مناسب زندگی می‌کند، هیچ‌گاه دنیای ساختگی و تخیلی تلویزیون را با تجارب شخص حقیقی و روابط خانوادگی اشتباه نمی‌کند و به خوبی می‌تواند بین آن‌ها فرق بگذارد؛ اما در مقابل، کودکانی که بیشتر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز والدین قرار می‌گیرند، بیشتر به دیدن برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون گرایش دارند و رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری از خود بروز می‌دهند. همچنین فقدان نظارت خانوادگی، اوضاع نابسامان خانواده یا انحلال آن، بی‌نظمی و سوءرفتار والدین، ضعف والدین، یتیمی، داشتن مشکل با ساکنان منزل، شاغل بودن والدین و حضور کودک در

بنابراین اگر مجازات خشونت به تعویق بیفتد، ممکن است کودک خردسال متوجه این عامل بازدارنده نشود و نتواند به سادگی میان صحنه‌ها ارتباط برقرار کند (۱۴).

دکتر کی‌نیا در این زمینه می‌گوید: «کودکان و نوجوانان در جهان رؤیای فیلم‌ها فرو می‌روند؛ در خلال هنر، خصوصیت ساختگی و تصنعی نابهنجار یا استثنایی یک وضعیت از بین می‌رود و تماشاگر، احساس حقیقت می‌کند. از این جا می‌توان پی برد که بعضی از فیلم‌ها تا چه حد برای نوجوان تماشاگر افراطی، زیان‌بخش است... و تماشای مستمر و تکراری این فیلم‌ها، کودک را به راه جرم و فرار می‌کشاند» (۱۵). در حقیقت، کودک یا نوجوان به دلیل واقع‌انگاری، بعد از مشاهده فیلم، خود را در نقش‌های گوناگون فیلم می‌بیند و بدین ترتیب از ارزش‌های جامعه و خانواده دور شده و با آن متعارض می‌گردد و به جرم روی می‌آورد (۱۵).

گاهی این مشکل بدین علت است که کودکان، بیننده برنامه‌هایی هستند که برای بزرگسالان ساخته شده است و به همین علت، صحنه‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌های این برنامه‌ها برایشان ناآشناست. در نتیجه ممکن است درک دیگری از این برنامه‌ها داشته باشند و حوادث غیرواقعی را همانند یک حادثه واقعی پنداشته و در درک مقاصد دچار اشتباه شوند (۱۶).

یکی از رسانه‌هایی که امروزه گسترش بسیاری یافته و مورد استفاده کودکان در اکثر جهان واقع می‌شود، بازی‌های یارانه‌ای است. بازی‌های رایانه‌ای که خشونت زمینه اصلی در آن‌هاست، موجب تحریک گرایش‌های تهاجمی در فرد می‌گردد. کیپرز (Keepers) معتقد است آزاد شدن این‌گونه انرژی‌های مخرب بدون هیچ نوع کنترل در جوانان و نوجوانان می‌تواند فاجعه آفرین باشد. در بازی‌های رایانه‌ای، خشونت برای حل مشکلات و افزایش رتبه و امتیاز شخصیت اصلی مورد استفاده قرار

مهدکودک، بی‌توجهی به آموزش و پرورش کودکان و... می‌تواند زمینه افزایش خشونت فرد از رهگذر رسانه گردد (۸،۱۲،۱۵،۷). پس این‌گونه می‌توان بیان کرد که والدین از طرق متعدد می‌توانند بر پیام‌های دریافتی کودکان از تلویزیون اثر بگذارند. آن‌ها می‌توانند با اعمال کنترل، برنامه‌های مفید را برای فرزندانشان انتخاب کنند و در تماشای برنامه‌ها او را همراهی کنند و یا این‌که بدون هیچ نوع کنترلی، آزادی کامل انتخاب نوع و میزان برنامه را برای فرزندانشان ایجاد کنند. استفاده از هرکدام از این روش‌ها می‌تواند تلقی کودکان از خشونت رسانه‌ای و استفاده از آن را تحت تأثیر قرار دهد (۱۶).

۱-۲. راه‌حل‌های پیشنهادی: برای کاهش خشونت رسانه‌ای و کاهش آسیب‌های ناشی از خشونت رسانه‌ای بر کودکان و نوجوانان، در ابتدا باید با تحریک‌کنندگی و جرم‌زایی احتمالی رسانه‌ها مقابله شود؛ اما باید به این نکته نیز توجه داشت که کنترل کامل رسانه‌ها نیز امری ممکن نیست؛ اما در مرحله بعد، لازم است اقداماتی از سوی گروه‌های مختلف صورت پذیرد:

اولین گروه، سیاستمداران هستند. به نظر می‌رسد لازم است جلسات مشترکی بین سیاستمداران، برنامه‌سازان، مدارس و اولیاء برای برنامه‌ریزی درباره برنامه‌های رسانه‌ای تشکیل شود و خط‌مشی انعکاس حوادث، مسائل خشن و مانند آن در رسانه‌های گروهی و ضوابط حرفه‌ای در راه خودداری از تولید برنامه‌های خشونت‌آمیز برای برنامه‌سازان تعیین و نحوه نظارت بر اجرای آن مشخص گردد. برای تعیین این خط‌مشی باید از نظرات جرم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، سیاست‌دانان و کارشناسان رسانه، والدین و آموزگاران بهره برد. در این زمینه باید به محتوای برنامه‌های رسانه توجه شود و تا حد ممکن به اصلاح رویه آن‌ها پرداخت و اگر اصلاحشان ممکن نیست، آن‌ها را متوقف ساخت؛ البته افرادی که به

بررسی سناریو و محتوای برنامه می‌پردازند نباید کارمند آن رسانه باشند که صرفاً به تأیید اتمام نمایند. پس از آن با تعیین نهاد نظارتی مشخص و نحوه نظارت خاص، بر ماهیت و حدود خشونت تلویزیونی نظارت شود (۱۸).

گروه دوم، برنامه‌سازان هستند. به برنامه‌سازان توصیه می‌گردد، اولاً تا حد ممکن از نمایش خشونت در برنامه‌ها پرهیز نموده یا میزان آن را کاهش داده یا از راه‌حل‌های جایگزین برای حل مشکلات به جای خشونت یا فیلم‌های آموزنده، جذاب و دیدنی به جای فیلم‌های خشن با تکیه بر فرهنگ جامعه خودی استفاده نمایند. همچنین در صورت نمایش خشونت، لازم است مجازات اعمال خشونت‌آمیز و پیامدهای ناگوار آن نمایش داده شده و ارتکاب خشونت مورد توجیه واقع نشود. استفاده از مضامین ضدخشونت، استفاده از شخصیت‌های اصلی داستان برای تقبیح خشونت، تأکید بر درد و رنج عاطفی ناشی از خشونت، توجه به فرهنگ و شرایط محیطی جامعه‌ای که برنامه در آن نمایش داده می‌شود، عدم استفاده از شخصیت‌های اصلی و مثبت به عنوان مهاجم و پرخاشگر، استفاده کمتر از اسلحه و موسیقی‌های خشونت‌بار در برنامه‌ها، عدم نمایش نزدیک خشونت با صحنه‌های کامل اعم از خونریزی، قطع عضو و ...، توجه به اهداف مهاجم در اعمال خشونت (مثل خشونت در دفاع از کشور و ...)، تفکیک آثار و نتایج خشونت عمدی و غیرعمدی و کاهش فاصله اعمال خشونت و مجازات آن از دیگر توصیه‌های قابل بیان به برنامه‌سازان است (۱۸).

دو گروه دیگر که می‌توانند نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب مذکور بر کودکان و نوجوانان داشته و یا آسیب‌های ناشی از آن را از بین ببرند، اولیا و مدارس هستند. برای کاهش تأثیرپذیری کودکان از خشونت رسانه‌ای، توجه به محتوای خشونت‌آمیز برنامه‌ها در تنظیم الگوی تماشای برنامه فرزند، توجه به سن فرزندان در تنظیم الگوی

به عوامل ژنتیکی، شخصیتی، روحی - روانی، بلوغ و ... تقسیم می‌شود و عوامل برونی (عوامل خارجی مؤثر بر فرد) به عوامل خانوادگی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم می‌شود (۲۰).

از عوامل مهم برونی که در خانه‌گریزی مؤثر بوده و خود نیز از آن تأثیر می‌پذیرد، خانواده است. تحقیقات نشان می‌دهد فقدان آرامش روانی در خانواده، ناهنجاری ارتباطی و رفتاری اعضا، عدم نظارت والدین بر فرزندان، عدم درک صحیح والدین از فرزندان و ... همگی در فرار کودکان و نوجوانان از خانه مؤثر است (۱۹). از دیگر عوامل خانه‌گریزی، عوامل اجتماعی و فرهنگی است. هر اجتماع، دارای هنجاری مختص به خود می‌باشد و بی‌شک افراد جامعه از محیط خود تأثیر می‌پذیرند. نوجوانان و جوانان به دلیل عدم بازشناسی کامل هویت فرهنگی و نرسیدن به ثبات شخصیت، بیشتر از بزرگسالان تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرند (۲۰). می‌توان ادعا نمود که یکی از عوامل مؤثر، در فرهنگ‌سازی و نهادینه ساختن ارزش‌های متناسب با جامعه، رسانه است، زیرا فرهنگی که از طریق رسانه‌های جمعی رسمی و دولتی تغذیه می‌شود، تأثیر مهمی در تربیت قشر کودک و نوجوان دارد و برای آن که افراد جامعه به راحتی بتوانند هنجارهای اجتماعی را تغییر داده و ارزش‌های اجتماعی را خوب بشناسند؛ لازم است که توازنی در خرده فرهنگ‌های حاکم بر هرکدام از محیط‌ها و فرهنگ رسمی برقرار شود و به اصطلاح، جامعه‌ای موزون حاصل آید، به نحوی که ارزش‌های اجتماعی مورد تأیید و محیط‌های آموزشی، در امتداد آموزش اخلاقی خانواده باشد و فرهنگ خارج از محیط خانه و مدرسه در تداوم محیط و فرهنگ قبلی باشد و فرهنگ رسمی نیز که از رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما تبلیغ و ترویج می‌شود، در امتداد فرهنگ و آموزه‌های محیط‌های مذکور

تماشای برنامه فرزند، توجه به واقع‌انگاری کودکان در زمان تماشای کارتون‌ها و برنامه‌های تخیلی، آموزش کودکان برای آگاهی از محتوای نمایشی و غیرواقعی بودن صحنه‌های برنامه‌ها، آموزش کودکان درباره نگاه نقادانه به برنامه‌های رسانه‌های گروهی (که نیازمند تقویت ارتباط با فرزندان و اختصاص زمان به آن‌ها دارد)، عدم استفاده از روش هم تماشایی برای تماشای برنامه‌های نامناسب و خشونت‌بار (هم تماشایی به نوعی تأیید آن برنامه است)، همراهی با فرزندان در دیدن برنامه‌های سالم جایگزین و منع غیرمستقیم از دیدن برنامه‌هایی با محتوای خشونت، ارتباط والدین با رسانه و ارائه نظرات و نقد درباره برنامه‌ها، نظارت والدین بر فرزندان در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و تهیه این بازی‌ها و اطلاع‌رسانی والدین به فرزندان و اقناع آن‌ها درباره اثرات مخرب بازی‌های خشن توصیه می‌شود (۱۸).

۲. آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز فرار از خانه و راهکارهای پیشگیری از آن: فرار از خانه در قانون، جرم‌انگاری نشده است، از این رو نمی‌توان آن را به عنوان جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرد؛ اما این عمل به عنوان نوعی انحراف شناخته می‌شود که اغلب، منجر به جرایم دیگر می‌گردد. فرار از خانه، به رفتاری اطلاق می‌شود که طی آن کودکان و نوجوانان بدون اجازه والدین یا ولی قانونی خود خانه را ترک می‌کنند (۱۹). با توجه به تعریف بیان شده می‌توان گفت که شرط تحقق فرار، عدم اجازه والدین است.

۱-۲. نحوه تأثیر رسانه در بروز انحراف فرار از خانه: بر اساس کلام جامعه‌شناسان، فرار از خانه به عوامل گوناگونی بستگی دارد و این عوامل زمینه‌ساز فرار، در افراد مختلف، متفاوت است. عوامل را می‌توان به دو دسته عوامل درونی و برونی تقسیم نمود؛ عوامل درونی که همان ویژگی‌های جسمی، روانی و شخصیتی فرد است که

و سریعاً به تقلید اعمال شخصیت‌های اصلی فیلم‌ها می‌پردازند.

در پژوهش‌های به عمل آمده دختری که به جرم ولگردی و فرار در کانون به سر می‌برد، گفته است: «با گروهی از دوستانم با دیدن جوانان غربی و زندگی‌شان در فیلم‌ها، تفریح‌ها و شادی‌هایشان و ... می‌خواستیم همان کارها را انجام دهیم و از جوانی‌مان لذت ببریم، اما والدین مانع ما می‌شدند و ما را سرکوب می‌کردند؛ برای همین با دوستانم قرار گذاشتیم و از خانه زدیم بیرون...». در تحقیق حاضر در مورد میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای سنجش تأثیر این ابزار در فرار آن‌ها از خانه سؤال شد که در پاسخ بیشترین استفاده مربوط به تلویزیون بود و ۴۸/۱ درصد، از هنرپیشه‌ها تقلید کرده بودند (۲۲).

فرار از خانه، غالباً همراه پیامدهای ناگواری خواهد بود. از آن‌جاکه اغلب نوجوانان فراری دارای سن کم هستند، این نگرانی وجود دارد که سن آسیب‌های اجتماعی در جامعه کاهش یابد. علاوه بر آن، فرار از خانه اغلب همراه با جرایم دیگری نیز خواهد بود؛ افراد فراری برای تأمین مایحتاج زندگی خود ممکن است مرتکب سرقت، اعمال منافی عفت و خودفروشی شده یا حتی وارد باندهای فساد و فروش مواد مخدر شوند. استعمال مواد مخدر و حتی خودکشی نیز می‌تواند از سایر نتایج فرار از خانه باشد.

۲-۲. راه‌حل‌های پیشنهادی: در مقام ارائه راهکارهای پیشنهادی به نظر می‌رسد، دولت و نهادهای ذی‌ربط باید با برنامه‌ریزی صحیح و مطالعه دقیق عوامل مؤثر بر فرار از خانه، راهکارهای مناسبی را جهت پیش‌گیری از این پدیده ضداجتماعی ارائه دهند. استفاده از راهکارهای فرهنگی، مناسب‌ترین و مفیدترین خط مشی مقابله با این انحراف است. برای اعمال بایسته این راهکار، همکاری

باشد تا جامعه‌ای موزون با فرهنگ و ارزش‌های رفتاری و اجتماعی شناخته شده برای همه افراد حاصل شود. بنابراین نباید این محیط‌ها دارای فرهنگ‌های متعارض باشند، به نحوی که افراد جامعه قادر به شناسایی هنجارهای اجتماعی نباشند (۲۱). به عنوان مثال خانواده و مدرسه، نظارت والدین بر فرزندان را به عنوان نوعی هنجار بشناسند؛ اما از طرف دیگر، رسانه این عمل را نوعی ضدهنجار و عملی نامناسب بداند که اگر بین رسانه، خانواده و محیط آموزشی در نحوه برخورد تعارض باشد، محصول این تعارض‌های اخلاقی، ظهور و بروز انحرافات چون فرار از خانه است (۱۹، ۲۱).

یکی از کارشناسان مجتمع قضایی اطفال و نوجوانان در این زمینه می‌گوید: «... آنچه امروز نوجوانان در جامعه شاهد آن هستند و از طریق رسانه‌های مختلف به آنان القاء می‌شود با اعتقادات خانواده‌ها که ریشه در فرهنگ و سنت دارد، کاملاً متفاوت است. وقتی در فیلم‌ها مشاهده می‌شود برخی از نوجوانان از بهترین امکانات زندگی برخوردارند، از جدیدترین مدل‌ها پیروی می‌کنند، بدون آن‌که مورد تعرض قرار گیرند؛ در این صورت دختران و پسران جوان بسیاری با مشاهده این مسائل، دچار یک تضاد فکری شدید می‌شوند...» (۲۱).

بر اساس مطالب مطرح شده می‌توان این‌گونه بیان کرد که رسانه نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و ایجاد هنجار دارد و با توجه به جایگاه خود، نقش مؤثری در هدایت، تربیت و شعور اجتماعی افراد ایفا می‌کند و به عکس در صورتی که برنامه‌های آن بدون کارشناسی یا هدف باشد، می‌تواند باعث گمراهی، انحراف و فساد مردم به خصوص کودکان و نوجوانان گردد (۲۲)، زیرا قدرت تلقین‌پذیری در این قشر بسیار زیاد است، درک درستی از جامعه ندارند، تفاوت واقعیت و خیال را به درستی درک نمی‌کنند، قدرت پیش‌بینی بعضی عواقب اعمال را ندارند

نهادهای رسمی و آموزشی و رسانه‌های جمعی لازم است (۲۱).

با توجه به نقش رسانه در فرهنگ‌سازی، رسانه باید به نمایش هنجارهای سالم و متناسب با فرهنگ جامعه و خانواده ایرانی بپردازد و از ارائه فرهنگ متعارض که منجر به انحراف می‌گردد خودداری نماید. از سوی دیگر باید به آموزش بپردازد تا بتواند والدین را درباره وظایفشان نسبت به فرزندان آگاه نماید و همچنین با هدف اطلاع‌رسانی و آموزش‌های سازنده، هویت‌دهی، ایجاد شخصیت و فرهنگ‌سازی، سطح اطلاعات جوانان و نوجوانان به ویژه دختران را افزایش دهند که این امر نیازمند تقویت پایه‌های مذهبی، اعتقادی و فرهنگ ایرانی در رسانه‌های جمعی است. همچنین جامعه (خانواده، دولت و افراد جامعه) نباید به دختران در چنین شرایطی همانند یک مجرم بنگرند، بلکه باید آن‌ها را همچون بیمار بدانند و در درمان هر چه سریع‌تر این فرد با تأمین شرایط و امکانات تلاش کنند (۲۰). به ویژه سازمان صدا و سیما که می‌تواند با بهره‌گیری از نظرهای سازنده صاحب‌نظران جامعه‌شناسی جنایی، آسیب‌شناسی اجتماعی، جرم‌شناسی و ... و با تولید برنامه‌های صوتی و تصویری مناسب، نسبت به ترویج فرهنگی سالم و مبتنی بر علم و اخلاق اقدام نمایند (۲۱).

۳. آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در روابط جنسی نامشروع در کودکان و نوجوانان و راهکارهای پیشنهادی: روابط جنسی نامشروع بر طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از شرع است، برقراری رابطه جنسی اعم از عام یا خاص با فردی به جز همسر را شامل می‌شود که میان آنان عقد ازدواج جاری نشده است. یکی از دلایل مهم گسترش روابط جنسی نامشروع در کودکان و نوجوانان، پخش گسترده تصاویر مستهجن در رسانه‌های مختلف جهانی است. امروزه با

گسترش رسانه‌های جدید و بین‌المللی شدن آن‌ها، اغلب رسانه‌ها برای جذب مخاطب، سود و منافع تجاری و سایر اهداف منفعت‌گرایانه خود به ارائه تصاویر مستهجن و هرزه‌نگاری می‌پردازند. برخی از این رسانه‌ها حتی پا را فراتر گذاشته و صحنه‌های ارتباط جنسی را به طور آشکار تبلیغ می‌کنند. از جمله این رسانه‌ها، ماهواره و اینترنت است که با نمایش عمل جنسی با همه جزئیات، میل به انجام عمل را تحریک می‌کند و افکار ناپهنجار را توسعه می‌دهد (۲۲).

۳-۱. آسیب‌شناسی ماهواره در گسترش روابط جنسی نامشروع در کودکان و نوجوانان و راه‌حل پیشنهادی: یکی از وسایلی که می‌تواند نقش مؤثری در گسترش روابط جنسی نامشروع داشته باشد، ماهواره است. ماهواره با وجود آثار و نتایج مثبت و آموزنده، آثار مخربی نیز می‌تواند داشته باشد. کوبین تافلر نویسنده و منتقد اجتماعی درباره آثار مخرب ماهواره می‌نویسد: «تکنولوژی ماهواره‌ای و دیگر رسانه‌های جدید، فرهنگ ملی را از هم می‌پاشاند» (۲۳).

یک آسیب‌شناس اجتماعی درباره آثار ماهواره بر جوانان می‌گوید: «با وجود این‌که برنامه‌های ماهواره‌ای محتوای علمی و آموزنده نیز دارند، امروزه بیشتر جوانان ماهواره را برای استفاده از برنامه‌های علمی آن انتخاب نمی‌کنند و بیشتر تمایل به دیدن برنامه‌هایی دارند که آن‌ها را در برنامه‌های داخل کشور نمی‌یابند و در واقع به خاطر برنامه‌های مبتذل و مستهجن از ماهواره استفاده می‌کنند که زمینه انحراف و سقوط اخلاقی در این برنامه‌ها زیاد است» (۲۳). تصاویر مبتذل و مستهجن ماهواره در قالب‌های مختلف و با راهکارهای متفاوت به مخاطبان القا می‌شود. این ارائه می‌تواند در قالب برنامه ورزشی، نمایشی، فرهنگی، فیلم‌ها و غیر آن باشد (۲۳) که عواقبی مانند از بین رفتن قبح روابط غیر اخلاقی در خانواده و

سستی و از هم پاشیدن نهاد خانواده، تغییر و دگرگونی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، ترویج فرهنگ مدگرایی و تجمل‌گرایی در جامعه و همچنین عوارض روحی و روانی تماشای فیلم‌های مبتذل و مستهجن را به دنبال دارد.

با توجه به آثاری که ماهواره بر روی بی‌بندوباری در جامعه دارد، در ایران نیز استفاده از تجهیزات ماهواره ممنوع شده است و به نظر می‌رسد قانونگذار با دیدن عواقب منفی آن و ترجیح و اهمیت آن‌ها بر تأثیرات و استفاده‌های مفید ماهواره، به نحو کلی این وسیله را ممنوع کرده است. در ماده ۱ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳ آمده است: «به موجب این قانون، ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده، ممنوع است».

به نظر می‌رسد قانونگذار برای عدم استفاده از ماهواره با رویکرد ممنوعیت مطلق استفاده از ماهواره، ساده‌ترین راه را که روش فیزیکی جمع‌آوری ماهواره است برگزیده و می‌توان گفت به جای حل مسأله، صورت مسأله را پاک نموده است؛ اما به نظر می‌رسد برای این امر راه‌حل‌های دیگری نیز وجود داشته باشد: برخی از این راه‌حل‌های دیگر، مانند جمع‌آوری فیزیکی به پاک کردن صورت مسأله می‌پردازد، از جمله این موارد می‌توان پارازیت‌ها کردن سیگنال‌ها و فیلترگذاری و یا جرم‌انگاری را نام برد. ولی راه‌حل مناسب، فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها و ایجاد بستر مناسب فکری برای استفاده صحیح از ماهواره است. همچنین دولت و به ویژه رسانه‌ی دولتی باید با برنامه‌ریزی‌های خود شرایطی را فراهم آورد که جوانان را از استفاده از ماهواره بی‌نیاز نماید (۲۴).

۲-۳. آسیب‌شناسی اینترنت در گسترش روابط جنسی نامشروع در کودکان و نوجوانان و راه‌حل پیشنهادی: در خصوص تأثیر اینترنت بر اعتیاد جنسی

کودکان و نوجوانان باید بیان کنیم که اکثر افراد جامعه از این که فرزندانشان با غریبه‌ها هم صحبت شوند و یا فرزندانشان دوستان ناآشنا و با اختلاف سنی زیاد داشته باشند، نگران هستند و گاه توصیه‌هایی نیز در این زمینه به آن‌ها می‌نمایند، اما امروزه با وجود اینترنت باید این نگرانی‌ها افزایش یابد، در حالی که در زمان استفاده کودکان از اینترنت، والدین با این تفکر که فرزندانشان در منزل و در کنار آن‌ها هستند، احساس آرامش خاطر می‌نمایند، غافل از آن که در دنیای اینترنت کودکان با چه افرادی ارتباط برقرار می‌کنند. عامل این مشکل علاوه بر جهانی شدن و وجود فناوری‌های نوین ارتباطی، عدم شناخت کافی والدین از محیط مجازی و کارکرد آن است (۲۵).

با ظهور اینترنت، برخی از جرائم علیه عمومی از محیط فیزیکی به محیط مجازی راه یافت؛ اما بسیاری از آن‌ها به دلیل عدم جرم‌انگاری قانونگذار در محدوده جرائم رایانه‌ای جا نگرفتند. این موارد را می‌توان به عنوان انحرافات جرم‌انگاری نشده نام برد. یکی از این موارد اعتیاد جنسی اینترنتی است. مجرم در این‌گونه جرایم از رایانه به عنوان ابزار بهره گرفته و کار خود را تسهیل می‌نماید (۲۶). اینترنت از جمله ابزارهایی است که در صورت استفاده نادرست می‌تواند در بزرگسالان و کودکان اعتیاد جنسی ایجاد نماید.

اینترنت به عنوان یک رسانه سرد، به علت درگیر کردن مخاطبان، کشش و جذابیت بیشتری را به همراه دارد و به عقیده بسیاری از محققان، نوعی اعتیاد ایجاد می‌نماید. توضیح اینکه «مارشال مک لان» رسانه‌ها را بر اساس دخالت یا عدم دخالت مخاطب، به دو دسته سرد و گرم تقسیم می‌کند: الف) رسانه گرم: رسانه‌ای که پر از اطلاعات است و فرد هنگام استفاده از آن کاملاً منفعل است. فیلم، رادیو و کتاب‌ها از این دسته‌اند؛ ب) رسانه

جنسی خاص یک فرد در قالب تصاویر روشن و واضح در آن‌ها یافت می‌شود (۲۹)) به دلیل عدم درک درست از ارتباطات جنسی و نشناختن ارتباط جنسی سالم و طبیعی، با دیدن صحنه‌های جنسی هیجان‌زده می‌شوند و احتمالاً آن‌ها را به عنوان الگوی رابطه عاشقانه تلقی می‌کنند (۳۱).

به طور قطع ورود کودکان و نوجوانان در این وبسایت‌ها تأثیرات فراوانی بر آن‌ها خواهد داشت که مهم‌ترین آن‌ها اعتیاد به روابط جنسی اینترنتی است و در مواردی حتی می‌تواند رفتارهای جنسی جبری نظیر استمنای را به دنبال داشته باشد که این عمل در نتیجه موجب افزایش ذاتی میل جنسی در فرد است. از سوی دیگر دیدن این صحنه‌ها، تمایل جنسی آنان را به رابطه جنسی با اشخاص افزایش داده و در نتیجه در زندگی واقعی تجارب جنسی زود هنگامی را به همراه دارد. همچنین این افراد خواستار جستجوی سطوح بالاتری از هیجان شده و با فعالیت‌های خاص ارضا می‌شوند و حتی گاه این افراد به فروش تصاویر هرزه‌بینی اقدام می‌کنند (۲۹).

افراد خلاق با تصورات بسیار فعال، کسانی که از احساس خود ارزشمندی کمی برخوردارند، افرادی که سابقه اعتیاد در خانواده دارند، مبتلایان به افسردگی و اضطراب، اختلال و وسواس فکری - عملی فرزندان خانواده‌های بیش از حد مذهبی و افرادی که سابقه سوءاستفاده جنسی در دوران کودکی دارند، بیش از دیگران در معرض ابتلا به اعتیاد جنسی اینترنتی هستند (۳۲).

نکته‌ای که در این‌جا لازم است بیان شود این است که اعتیاد به سکس اینترنتی به اندازه روابط جنسی واقعی و حتی در مواقعی بیشتر از آن، خطرناک است. معنای این سخن، نحوه فعالیت جنسی معتادین به سکس اینترنتی و نتایج مجرمانه این عمل است. فعالیت‌های جنسی معتادین به سکس اینترنتی اغلب دیدن یا دانلود کردن

سرد: رسانه‌ای که فرد در فرآیند انتقال تجربه درگیر می‌شود؛ بدین معنا که فرد در زمان استفاده نقش فعالانه‌ای ایفا می‌نماید. کامپیوتر و فعالیت‌های وابسته به آن همانند اینترنت در این دسته‌اند. روزنامه و تلویزیون نیز تا حدی گرایش به این دسته دارند (۲۷).

به هر تقدیر، یکی از انواع اعتیادها، اعتیاد جنسی اینترنتی است. سکس مجازی موضوع جدیدی است که افراد می‌توانند در فضای اینترنت یکدیگر را ببینند و بدون تماس جسمانی، رابطه عاشقانه و سکسی داشته باشند (۲۸). ایده‌آل تلقی کردن اینترنت برای وقوع این انحراف را می‌توان در عوامل زیر یافت: ۱- ارزان بودن؛ ۲- قانونی بودن؛ ۳- ناشناس بودن و ناشناخت ماندن هویت فرد؛ ۴- حضور در خلوت زندگی فرد؛ ۵- عدم خطر مستقیم برای انتقال بیماری‌های جنسی به کاربر؛ ۶- به‌جا نماندن مدرک و ۷- مخفی نگه داشتن فعالیت از افراد دیگر (۲۹).

بزهکاران اینترنتی از موقعیت و سادگی کودکان استفاده وسیعی می‌کنند آن‌ها را از طریق اتاق‌های گفتگو و یا پست الکترونیک یا طرق دیگر به انحراف بکشاند (۳۰). نوجوانان و جوانان بزرگترین طیف مخاطبان و فعالان اینترنتی هستند. عدم محدودیت سنی در اینترنت به آن‌ها اجازه می‌دهد وارد هر سایتی شده و به کسب اطلاعات یا ارسال اطلاعات اقدام کنند و با توجه به این‌که در اینترنت شخصیت و سن و جنس افراد می‌تواند گمنام بماند، افراد مختلف قادرند به ایفای نقش پردازند. این ویژگی‌ها در موارد بسیاری موجب استفاده ناصحیح و سوءاستفاده می‌گردد و در موارد فراوان کودکان و نوجوانان با خطر سوءاستفاده جنسی مواجه خواهند شد (۲۷).

کودکان و نوجوانان بعد از ورود به اتاق گفتگو یا وبسایت‌های هرزه‌بینی (وبسایت‌هایی هستند که تمام تصاویر و اعمال قابل تصور و ویدئوهای مطابق با تمایلات

مانند آشپزخانه، اتاق پذیرایی و مانند آن است تا بتوان به طور غیرمحموس بر کار کودکان نظارت داشت (۳۴،۲۹). این پیشنهاد نیز در موارد خاصی و اگر به طور مستمر باشد، مفید است.

پیشنهاد دیگر برای پیش‌گیری از این امر این است که والدین باید راجع به مسائل جنسی به طور صریح و بی‌پرده با فرزندانشان صحبت کنند و مفهوم مسائل جنسی و ارتباط آن با روابط عاشقانه را نیز بیشتر تصریح نمایند. سوسین از معتقدان به این امر می‌گوید: «والدین واقعاً می‌توانند نکاتی را در مورد عشق سالم به فرزندان خود گوشزد کنند. این کار در عین بازدارندگی، آن‌ها را از خطر مصون می‌دارد» (۳۱). صحبت درباره مسائل جنسی با نوجوانان در سنین خاصی مفید خواهد بود، اما در سنین کم، این امر نه تنها نمی‌تواند مفید باشد، بلکه باعث بلوغ زودرس کودکان شده و آن‌ها را بیشتر کنجکاو مسائل جنسی می‌نماید. پیشنهاد دیگر این است که خود والدین از اینترنت به نحو صحیح و مسؤولانه استفاده کنند (۲۷). اگر والدین وقت و انرژی خود را برای جستجوی اموری مثل مستهجن‌نگاری و هرزه بینی در اینترنت بگذارند، نمی‌توان از کودکان انتظار داشت که به نحو مطلوب از اینترنت بهره برده و وارد سایت‌های مستهجن نشوند.

به والدین توصیه می‌شود که به کودکان خود درباره اینترنت آموزش دهند؛ والدین باید کودکان را تشویق کنند که تجارب اینترنتی خود را با والدین در میان بگذارند و حتی در مواقعی با یکدیگر به جستجو در اینترنت بپردازند. همچنین لازم است والدین به کودکان خود آموزش دهند که در زمان جستجو در سایت‌ها، اطلاعات شخصی خود را در اختیار دیگران قرار ندهند و از خطرات احتمالی برای آن‌ها سخن گویند و این نکته را بیاموزند که دنیای مجازی به مراتب خطراتی بیشتر از

هرزه‌بینی همراه با استمناء، گاهی خواندن و نوشتن داستان‌ها و نامه‌های جنسی، ایمیل زدن برای برپایی ملاقات‌های خصوصی با یک فرد، ارائه تبلیغات برای ملاقات شرکای جنسی، واردشدن در اتاق گفتگوی جنسی، درگیری در روابط جنسی آنلاین متقابل همان فرد با جنس مخالف، است. فعالیت‌هایی چون سکس تلفنی با فرد ملاقات شده آنلاین و روابط جنسی آنلاین اغلب منجر به روابط جنسی واقعی می‌گردد. علاوه بر این، معتادان در فعالیت‌های آنلاین، به کارهای غیرقانونی دیگر چون دیگرآزاری، خودآزاری، جماع با حیوانات، دیدن هرزه‌بینی کودکان، تصاویر هرزه‌بینی نوجوانان، سکس با افراد کم سن و سال نیز اقدام می‌کنند. این پدیده به سرعت واقع می‌گردد، زیرا سرعت اعتیاد در اینترنت بسیار بالاست و به سرعت، جستجوی متوالی تصاویر تبدیل به گفتگوی متوالی افراد می‌گردد (۲۹).

برای جلوگیری از اعتیاد جنسی کودکان و نوجوانان راه‌حل‌های مختلفی ارائه شده که برخی مفید به نظر می‌رسد و برخی نیز به نظر بی‌فایده می‌آید. یکی از پیشنهادهایی که برای جلوگیری از این امر به والدین و محیط‌های آموزشی می‌شود، نصب فیلترهای اینترنتی است تا به وسیله آن از ورود کودکان در این سایت‌ها به نحو عملی جلوگیری به عمل آید (۳۱، ۲۷) اما برای استفاده از این راه‌حل انتقاداتی وارد است زیرا با نصب فیلتر، فرد می‌تواند از راه‌های دیگری چون فیلترشکن، رجوع به کامپیوترهای دیگر، ورود به سایت‌های بدون فیلتر و ورود غیرمستقیم در این سایت‌ها استفاده نماید. از سوی دیگر فیلتر تنها می‌تواند موارد خاص را محدود کند، اما در بسیاری از موارد فرد می‌تواند با تایپ سایر عناوین و اسامی مرتبط به سایت‌های حاوی مطالب مستهجن دست پیدا کند (۳۳) پیشنهاد دیگری که به والدین می‌شود، قرار دادن کامپیوترها در قسمت‌هایی از منزل

برنامه‌های آموزشی را برای هوشیاری دانش آموزان، کادر مدرسه و والدین تدارک دیده است (۳۵).

دولت نیز می‌تواند در این زمینه نقش بسیار مهمی را ایفا نماید. لازم است دولت، قوانین مستحکمی در خصوص برنامه‌های اینترنتی، ماهواره، تولید و تهیه برنامه در داخل کشور بر طبق ضوابط خاص و مقابله با برنامه‌های مستهجن پخش شده از طریق اینترنت و ماهواره داشته باشد. همچنین لازم است در خصوص جرایم سایبر و تعیین مجازات برای مرتکبین به جرایم سایبر که یکی از آن‌ها، سوءاستفاده جنسی در اینترنت است، قوانین مناسبی وضع نماید. یکی از این موارد، جرم انگاری و تعیین مجازات برای مستهجن نگاری است که از جمله در نظام حقوقی داخلی در ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای و مواد ۱۰ و ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، پیش بینی شده است و بسیار مناسب می‌باشد اما این امر، محدود به عرصه حقوق داخلی است و امکان کنترل رسانه‌های خارج از محدوده مرزها و مجازات آن ممکن نیست.

یکی از بهترین پیشنهادها برای مقابله که دولت‌ها می‌توانند از آن بهره ببرند کار فرهنگی برای استفاده از اینترنت و ماهواره است. ایجاد سایت‌های جذاب و دیدنی، آگاهی‌دادن به خانواده‌ها، تشکیل کارگاه‌های آموزشی، معرفی و شناساندن سایت‌های مفید و ارزشمند به کاربران روش‌های مفیدی برای نیل به این هدف هستند. از همه مهم‌تر نقش صداوسیما و مطبوعات و محققان در بیان تأثیرات مثبت و منفی و آگاهی‌دادن به خانواده‌ها در نوع استفاده از اینترنت و در برخورد با مسائل جانبی اینترنت شایان توجه است که ایفای آن در خصوص پیش‌گیری از روابط جنسی نامشروع، توجه بیشتر والدین به کودکان و نوجوانان و جلوگیری از اعتیاد جنسی قشر کودک و نوجوان، مفید خواهد بود.

دنیای واقعی برای آنان دارد. همچنین والدین باید به آن‌ها بیاموزند که نباید با دوستان اینترنتی خود ملاقات‌های شخصی داشته باشند، زیرا دوستان اینترنتی ممکن است شخصیت واقعی، سن و جنس واقعی خود را افشا نکنند و همانی که می‌گویند نباشند. آن‌ها باید متوجه این امر باشند که تمام مطالبی که در اینترنت به آن بر می‌خورند واقعی نیست (۳۴).

این آموزش‌ها می‌تواند زمانی باشد که کودکان یا نوجوانان در حال جستجو در اینترنت هستند؛ به این نحو که والدین در این حین، موضوعات و سایت‌های اینترنتی مناسب سن نوجوانان را به آن‌ها پیشنهاد کنند و درباره غیرقانونی بودن ورود به سایت‌های خاص و تأثیرات روانی و جسمی آن‌ها برایشان صحبت کنند (۲۹).

علاوه بر آموزش والدین به کودکان، سایر مجاری آموزشی، دولت، مدرسه و به ویژه رسانه‌های جمعی مانند صدا و سیما موظفند تا به کودکان درباره اینترنت و خطرات آن آموزش دهند. آن‌ها باید به کودکان بیاموزند تا اطلاعات شخصی و عکس خود را در اینترنت در اختیار دیگران نگذارند و در خصوص موضوعات و مطالب و عکس‌هایی که در اینترنت می‌بینند با والدین خود صحبت کرده و ابهام‌های ذهنی خود را برطرف سازند. همچنین دولت‌ها باید تبلیغات اینترنتی و وبسایت‌هایی برای آموزش نوجوانان در مورد خطرات بالقوه و اعتیاد جنسی داشته باشند (۲۹).

پلیس نیز می‌تواند در آموزش کودکان و نوجوانان در این زمینه نقش مؤثری ایفا کند. در آمریکا پلیس برای حفاظت در برابر مطالب غیراخلاقی یا بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی ناشی از باورهای غلط و تبلیغات، تعهد پیشگیرانه‌ای آغاز کرد و برنامه‌هایی، برای محدود کردن ارائه تصاویر و پیغام‌های مضر برای دانش آموزان در اینترنت، تلاش می‌کنند. به عنوان مثال پلیس یک سلسله

می‌گذارند که امروزه تأثیرات منفی آنها به مراتب بیشتر از آثار مثبت آن به نظر می‌رسد.

یکی از این آثار منفی، تأثیر رسانه بر افزایش خشونت در جوامع است که درون‌مایه بسیاری از جرایم از قبیل ضرب و جرح، قتل، برهم زدن امنیت و ... بوده و عنصر اصلی خشونت- آسیب رساندن به غیر- در این جرایم، وجود دارد. پخش خشونت رسانه‌ای، موجب تحریک، حساسیت زدایی، بی‌قیدی و یادگیری اعمال خشونت‌آمیز می‌گردد. مخاطبان، به ویژه کودکان و نوجوانان، بعد از دیدن چنین برنامه‌ای عیناً به تقلید رفتارها در عالم خارج می‌پردازند. همچنین تماشای مکرر صحنه‌های خشونت از طریق رسانه، موجب عادی‌شدن این اعمال می‌گردد و حساسیت ابتدایی به آن از بین می‌رود و اعمال خشونت با آرامش ذهنی بیشتر انجام می‌شود.

از طرف دیگر، با گسترش رسانه‌های جمعی که محدود در مرزها نیستند و دولت‌ها تسلطی بر آنها ندارند، فرار از خانه و روابط جنسی نامشروع، افزایش یافته است و این بحران در کشور ما نیز وجود دارد. در انحراف فرار از خانه عوامل مختلفی مؤثرند. در میان این عوامل، علاوه بر تأثیر خانواده، مدرسه و عوامل اجتماعی و فرهنگی، باید به نقش رسانه نیز توجه شود، زیرا رسانه، با فرهنگ‌سازی و ایجاد ارزش‌ها و هنجارها می‌تواند نقش مؤثری در هدایت و تربیت افراد -به ویژه کودکان و نوجوانان- ایفا کند؛ اما طبعاً اگر برنامه‌های آن بدون هدف و کارشناسی باشد، موجب گسست و تعارض و ایجاد انحراف و فساد می‌گردد. اثر دیگر رسانه، در گسترش روابط جنسی نامشروع و اعتیاد جنسی است که در این رابطه رسانه‌های جهان‌شمول مانند ماهواره و اینترنت، نقش بسزایی دارند. اینترنت با داشتن ویژگی‌هایی چون ارزان بودن، قانونی بودن، ناشناخته ماندن هویت افراد، موجب تسهیل گرفتاری و اعتیاد جنسی می‌شود. اینترنت با ارائه تصاویر

در صورت بروز اعتیاد در افراد مذکور نیز به جای انکار مشکل یا سرزنش فرد، باید در پی درمان مشکل بود. برای این امر باید کامپیوتر به یک مکان باز در منزل انتقال یابد و استفاده از اینترنت تا حد ممکن کاهش یابد و در صورت نیاز به استفاده، آنلاین‌شدن تنها در زمان حضور افراد دیگر خانواده صورت پذیرد. ابزارهای محافظت‌کننده و نمایشگرها به ویژه برای ترک اعتیاد کودکان و نوجوانان به رایانه، اضافه گردد (۲۹). استفاده از رسانه‌های داخلی و برنامه‌های مناسب در آن به عنوان جایگزین استفاده از اینترنت نیز می‌تواند راه حل مناسبی باشد. البته این برنامه‌ها باید متناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه بوده و با جذابیت‌های خاص و برنامه‌های متنوع، توانایی جذب همه اقشار و سلیقه‌ها را تا حد ممکن داشته باشد و بتواند با ارائه برنامه‌های مناسب به ویژه برنامه‌های آموزشی و تبلیغی، ارائه الگوهای مناسب فرهنگی و مذهبی، افراد را از روی آوردن به برنامه‌های نامناسب اینترنتی باز دارد.

علاوه بر آن باید تلاش شود در محیط داخلی، رسانه‌ها با تهیه برنامه‌های متناسب با فرهنگ و اعتقادات، مردم را بیشتر پای‌بند به فرهنگ و عقاید، ساخته و فرهنگ خودی را در میان مردم نهادینه نمایند و آنها را از روی آوردن به برنامه‌های اینترنتی نامناسب باز دارند که این نیازمند برنامه‌ریزی هدفمند در برنامه‌های رسانه است. بدین ترتیب که هم برنامه‌های صدا و سیمای داخلی و خارجی و هم وبسایت‌ها علاوه بر جذابیت و تنوع برنامه‌ها، بتوانند برنامه‌های متناسب با فرهنگ ایرانی و اعتقاد اسلامی را نیز بیاموزند.

بحث و نتیجه‌گیری

رسانه‌های تصویری در جوامع علاوه بر آثار مثبت در زندگی فردی و اجتماعی افراد، تأثیراتی منفی نیز بر جای

برای روی آوردن کودکان و نوجوانان به برنامه‌های مخرب اینترنت و ماهواره گردند. همچنین خود خانواده‌ها نیز می‌توانند در پیش‌گیری و درمان نقش الگویی مؤثری داشته باشند. استفاده صحیح و مسؤولانه والدین از ماهواره و اینترنت و ایجاد روابط صمیمی و محکم کردن بنیان خانواده، از جمله اموری هستند که خانواده می‌تواند با استفاده از آن به کودک و نوجوان در معرض آسیب کمک نماید.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

هرزه‌بینی و مستهجن‌نگاری، علاوه بر تأثیر بر بزرگسالان، موجب اعتیاد جنسی کودکان و نوجوانان نیز می‌شود. در نهایت، برای پیشگیری و مقابله با آسیب‌های مذکور نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱- برای مقابله با تأثیر خشونت رسانه‌ای بر خشونت، استفاده از روش‌هایی مانند حذف کامل رسانه یا برنامه‌های خشن، نظارت کامل بر فرزندان و محدود نمودن آنها در انتخاب برنامه‌ها و یا نظارت صددرصد بر شرایط محیطی قابل اعمال نبوده و موثر نخواهد بود.

۲- دولت موظف است بر پخش برنامه‌های رسانه نظارت کند و به آموزش تأثیرات برنامه‌های خشن برای والدین و آموزگاران بپردازد و محدوده‌هایی نیز برای برنامه‌سازان تعیین نماید. برنامه‌سازان نیز باید از میزان خشونت نمایشی کاسته و به نمایش مجازات اعمال خشونت‌آمیز بپردازند؛ به جای برنامه‌های خشن به پخش برنامه‌های آموزنده، اقدام ورزند و پخش خشونت را در راه اهداف عالی به کار گیرند. والدین و مدارس هم با آموزش کودکان، آنها را از محتوای غیر واقعی برنامه‌ها آگاه سازند و همچنین برنامه‌های مناسب سن فرزندان را برای آنها فراهم سازند.

۳- برای پیشگیری از انحراف فرار از خانه، دولت باید با برنامه‌ریزی صحیح، از راهکارهای فرهنگی استفاده نماید. بهترین راه‌حل، استفاده از خود رسانه است. رسانه با آموزش والدین و فرزندان، افزایش سطح اطلاعات آنها، تقویت پایه‌های مذهبی و فرهنگ ملی و درونی‌کردن ارزش‌ها، می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه داشته باشد.

۴- برای پیش‌گیری و درمان اعتیاد جنسی، فرهنگ‌سازی و آموزش می‌تواند بهترین راه‌حل باشد که این مهم نیز از طریق خود رسانه‌ها قابل انجام است. علاوه بر آموزش، رسانه‌ها می‌توانند با ارائه الگوهای مناسب فرهنگی و مذهبی و جایگزینی برنامه‌های مناسب و متنوع، مانعی

References

1. Dindār Farkoosh F, Sadriniya H. Public relations and media. Tehran: Sayeh Roshan Publications; 2009. p. 44. [Persian]
2. Danaie N. Media studies. Tehran: Mabnaye kherad Publications; 2009. p. 17. [Persian]
3. Soothill K, Pillow M, Taylor K. Understanding criminology, translated by Seddiq SR. Tehran: Justice Publications; 2004. p. 207-208. [Persian]
4. The General Department of Survey Research and Applied Studies of the General Department of Cultural and Social Affairs of the Judiciary. Investigating the role of mass media in preventing crime. Quds Magazine. 7/3/2005. [Persian]
5. Bahman Abadi Y. Television and reducing the ugliness of violence. Hamshahri news papar. 5/21/2007. [Persian]
6. Ghasemi M. The relationship between the use of audio-visual media and juvenile delinquency in Tehran. Dissertation of master's degree. Tehran: Faculty of Broadcasting; 2005. [Persian]
7. Carlson A, Filtzen S. Children and violence in social media. Translated by Shafaghati M. Tehran: Research Center for Programmatic Studies and Evaluation of IRIB broadcasts; 2001. p. 274, 100, 163. [Persian]
8. Tonekaboni F. Effects of violence in television on violent behavior. Dissertation of master's degree. Tehran: IRIB University; 1980. p. 57, 96. [Persian]
9. Hosseini Anjdani M. Investigating watching violent cartoons on the level of adolescent aggression. Research and measurement quarterly. 2008; 15(54): 82-100. [Persian]
10. Kunczik M. New research on media and violence. Translated by Sheykh al-Islami MH. Research and measurement quarterly. 2008; 15(54): 102-120.
11. Bayat B, Sherafati J, Abdi N. Crime prevention based on community-oriented approach (crime prevention). Tehran: Naja Social Affairs Department (General Department of Social Studies); 2009. p. 109,111. [Persian]
12. Shah Karam Oghli A. Violent television images through watering down. Dissertation of master's degree. Tehran: IRIB University; 1980. [Persian]
13. Haj Mohammadi Gh. Remotely control: The role of the media in reducing or increasing crimes. Hezbollah. No. 2. 1/23/2007. [Persian]
14. Babaei. Effects of mass media on social deviations. Reform and Education Journal. 2004; 3(29): 12-15. [Persian]
15. Keynia M. Fundamentals of criminology. Tehran: University of Tehran; 1994. p. 197-198. [Persian]
16. Javadi F, et al. Investigating the effect and style of intervention (supervision) in watching television violence on the aggression of 9-15-year-old boys. Research and measurement quarterly. 2008; 15(54): 7-32. [Persian]
17. Azari S. Computer games and violence. Research and measurement quarterly. 2008; 15(54): 121-137. [Persian]
18. Abedi Tehrani T, Afshari F. Pathology of visual media in the occurrence of violence in societies. Criminal law and criminology researches, 2013; 1(1): 170-197. [Persian]
19. Mohammadi S. runaway girls. Hemayt Newspaper. 9/22/2007.
20. Yaqoubi Doost M. Causes and consequences of girls running away from home. Culture Education Journal. 2006; 5: 52-53. [Persian]
21. Barzegar s. Girls escape. Qom: Jamal Publications; 2003. p. 142-165. [Persian]
22. Moazzamy Sh. Why do girls run away?, Tehran: Gerayesh Publications; 2003. p. 130-133. [Persian]
23. Saberi A. the modern Antichrist; The role of mass media in deviating the youth. 2005; Shamim Yas; 40: 113,115. [Persian]
24. Researcher of the IRIB Law Studies Department. Legal challenges of direct broadcasting of satellite programs in the national and international system. Tehran: Soroush; 2001. p. 179,183. [Persian]

25. Asadi LS. Child's privacy and parent's right to upbringing. *Journal of Jurisprudence and Family Law of Imam Sadiq (AS) University, Sisters Campus*. 2009; 14(50): 45-27. [Persian]
26. Qudsi Z, Mojtahed Soleimani A. Computer crimes against morals and chastity in family privacy, especially pimp and pornography. *Journal of Jurisprudence and Family Law of Imam Sadiq (AS) University, Sisters Campus*. 2010; 15(53): 118-138. [Persian]
27. Esfandiar S. The family in the back alleys of the Internet. *Payame Zan magazine*. 2007; 187: 42-50. [Persian]
28. Shojaei MP. Internet psychology and pathology. *Quarterly Journal of Psychology in Interaction with Religion*. 2007; 1: 115-142. [Persian]
29. Cooper A. Internet and moral ambush, the hidden half of power. Translated by Mortazavi H, Jabarian B. Tehran: Danje Publications; 2009. P. [Persian]
30. Khorasani A. International instrument for crime. *Jame Jam newspaper, Tapes special issue*, 1/29/2003.
31. Chabner d. Internet pornography and its effect on teenagers. *West touring*; 2005; 12: 36-42.
32. Ezadian Esfarjani S, Moshtaq Beydokhti N. Internet, Addiction and Sexual Relations. *Journal of reflection of knowledge*. 2006; 3: 38. [Persian]
33. Moulai M. How did the Internet change the world of pornography?. *Sepideye Danaie magazine*. 2009; 4(36): 35. [Persian]
34. Mohammadi S. Pathology of children's use of the Internet, danger in the virtual world. *Jame Jam newspaper*, 7/2/2007. [Persian]
35. Shaw M. Police, schools and crime prevention. Translated by Darabi M. Qom: Ashke Yas; 2009. p. 22, 23. [Persian]